

# مفاهیم و مصادیق عقل‌گرایی از منظر قرآن با تکیه بر واژه‌ی «عقل»\*

چکیده: یکی از قدیمی‌ترین و مهم‌ترین مباحث مطرح در ادیان الهی، رابطه‌ی دین با عقل و عقلانیت می‌باشد و هرکدام از این ادیان الهی به گونه‌ای این رابطه را تشریح و تبیین نموده‌اند. در دین اسلام و مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام) این رابطه یک رابطه‌ی دوسویه است چراکه در هر ۴۹ باری که مشتقات واژه‌ی عقل (به صورت فعلی) در قرآن کریم به‌کار رفته است؛ این رابطه به بهترین وجه بیان شده است خواه استدلال در مقابل یهود، معارضه با کافران و تأکید بر اعتقادات باشد و خواه آموزش احکام، مسائل حقوقی، مسائل اخلاقی، طبیعت‌شناسی، عبرت‌پذیری و خرافه‌شناسی ... که همه و همه در پرتوی عقل و با هدایت عقل امکان‌پذیر است در این مقاله این حوزه‌ها واکاوی شده است. روش مقاله استفاده از گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و تحلیل و استنتاج از ظواهر آیات قرآنی است.

کلیدواژه‌ها: معنای لغوی عقل، معنای اصطلاحی عقل، مصادیق قرآنی عقل.

\* این مقاله با استفاده از رساله‌ی دکتری محسن احتشامی نیا تحت عنوان «کاربرد واژه‌ی عقل در قرآن و روایات» که در سال ۱۳۸۰ شمسی و در واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی دفاع شده، نگارش یافته است.

دکتر محسن احتشامی نیا  
(نویسنده‌ی مسئول)  
استادیار دانشگاه آزاد اسلامی  
تهران مرکزی  
m.ehteshaminia@yahoo.  
com

فهیمة فهیمی نژاد  
دانش‌آموخته‌ی دکتری زبان  
و ادبیات عرب و استاد مدعو  
گروه علوم قرآن و حدیث  
دانشگاه اصول دین تهران  
fahimefahiminejad@gmail.  
com

تاریخچه‌ی مقاله  
دریافت: ۱۳۹۷/۲/۱۵  
پذیرش: ۱۳۹۷/۵/۱۸

## ۱. مقدمه

بی‌گمان علت اصلی برتری انسان بر سایر مخلوقات چیزی نیست جز عقل و خرد او (علامه مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱، ص ۸۲) بنابراین ضروری است حوزه‌های ورود عقلانیت از دیدگاه قرآن شناخته شود تا انسان بتواند به کمال شایسته‌ای که خداوند آن را برای بشر قرار داده است، دست یابد. این مقاله به شیوه‌ی مسأله‌ی پژوهشی سامان یافته و سیر نگارش با بررسی تحولی واژه‌ی عقل و معنی اصطلاحی آن آغاز شده سپس چهل و نه آیه‌ای که در قرآن مجید دارای مشتقات این واژه هستند را بر اساس مصادیق عقل‌گرایی طبقه‌بندی نموده و به بررسی موضوعاتی پرداخته که قرآن انسان را به تعقل دعوت کرده است و در پایان به این سؤال‌ها پاسخ داده است:

۱. معنی لغوی، معنی اصطلاحی و سیر تحولی واژه‌ی عقل چیست؟
۲. مصادیق عقل‌گرایی از دیدگاه قرآن چگونه تعریف شده است؟
۳. دلیل دعوت به عقل‌گرایی کدام است (با توجه به درصد فراوانی موضوعات طرح‌شده‌ی قرآنی)؟

## ۲. سیر تحولی واژه‌ی عقل

این کلمه از وزن «فَعَلَ - يَفْعَلُ» می‌باشد که از نظر لغوی، طی قرون متوالی

دارای تحول معنایی زیر بوده است:

**قرن دوم:** متضاد جهل است و دارنده‌ی آن را عاقل گویند. پس معقول، آن چیزی است که شخص در قلب خود می‌فهمد و درک می‌کند. بنابراین آنچه که از فهم و علم دانسته و فهمیده می‌شود این است که معقول و عقل به یک معنا است و هنگامی که در زبان عربی گفته می‌شود «بلسان سوول و قلب عقول» یعنی: شخصی که دارای زبانی پرسشگر و قلبی فهمیده و آگاه است (فراهیدی، ۱۴۱۴ ق، ج ۲، ص ۱۲۵۳).

**قرن چهارم:** عقل به معنی حجر (منع) و نهی است و مصدر آن عقل و معقول می‌باشد. البته سیبویه با این قول مخالفت کرده است زیرا معتقد است هیچ‌گاه مصدر بر وزن مفعول نمی‌آید و معقول در اینجا به تأویل برده می‌شود. (جوهری، ۱۴۰۷ ق، ج ۵، ص ۱۷۶۹).

**قرن پنجم:** به نیروی آماده‌کننده برای پذیرش علم، عقل گفته می‌شود و به عبارت دیگر عقل یعنی آن علمی که انسان به واسطه‌ی آن نیرو از آن بهره می‌برد لذا از این تعریف مشخص می‌شود که عقل دو گونه است: عقل طبعی و اکتسابی. (راغب اصفهانی، بی‌تا، ص ۳۵۴).

**قرن هفتم:** عقل عبارت است از منع، نهی، ضد حماقت و ثابت بودن در کارها که می‌توان گفت عقل همان قلب است و قلب همان عقل زیرا صاحبش را از غرق شدن در مهلکه‌ها باز می‌دارد و قدرت تشخیص به انسان می‌دهد که به وسیله‌ی آن از سایر حیوانات تمیز داده می‌شود (ابن منظور، ۱۴۰۸ ق، ج ۹، ص ۳۲۶).

**قرن هشتم:** عقل مصدری است که بر خرد و اندیشه دلالت می‌کند و به

همین خاطر دانشمندان می‌گویند عقل غریزه‌ای است که به وسیله‌ی آن انسان به فهمیدن سخن آماده می‌گردد (فیومی، ۱۴۰۵، ق، ص ۴۲۲).

**قرن نهم:** عقل عبارت است از علم یعنی همان علم به خصوصیات اشیاء، اعم از حسن و قبح، کمال و نقصان و یا نیرویی که به وسیله‌ی آن بین حسن و قبح تشخیص به وجود آید پس ما حاصل عقل سه چیز است:

۱. آن معانی است که در ذهن وجود دارد و به کمک آنها به اهداف خود می‌رسیم و مصالح را تشخیص می‌دهیم.

۲. آن هیأت و صورتی نیکو است که انسان در حرکات و سکناتش ظاهر می‌کند.

۳. نوری، روحانی است که به وسیله‌ی آن نفس، علوم ضروری و نظری را درک کرده و می‌فهمد. (فیروزآبادی، بی‌تا، ج ۴، ص ۱۸۱۹ و زبیدی، بی‌تا، ج ۸، ص ۲۵۲۶).

**قرن دوازدهم:** عقل، ذاتی مجرد از ماده است و همان چیزی است که تمام معانی و حقایق معنوی را درک می‌کند و در کلام دانشمندان ده معنا دارد و در احادیث نیز به سه معنا اطلاق شده است (جزایری، ۱۳۹۱، ق، ص ۱۶۹ - ۱۷۰) و این معانی عبارتند از: قدرت تشخیص در انسان، معیار سعادت اخروی، علم، خوب‌ها، دژ و قلعه، پناه، قلب، پوشش قرمزی که با آن هودج را می‌پوشانند، لرزش زانوها و نقش قرمز پارچه‌ها مواردی است که در کلام علماء به آن اشاره شده است.

**قرن پانزدهم:** عقل به معنی دریافت حقیقت اشیاء بوده و نیرویی است که در مقابل غریزه است با این تفاوت که غریزه اختیاری نیست ولی عقل حالت

اختیاری دارد و به همین دلیل باعث فکر کردن، استدلال، ترکیب تصورات و تصدیقات می‌شود و به عبارت دیگر به وسیله‌ی آن حسن را از قبح و خیر را از شر و حق را از باطل تشخیص می‌دهد (مصطفی ابراهیم و دیگران، بی‌تا، ج ۲، ص ۶۲۲ و ۶۲۳).

### ۳. تعریف اصطلاحی عقل

عقل از نظر فلاسفه، جوهر بسیطی است که مردم به وسیله‌ی آن چیزها را در می‌یابند. پس عقل دریافت حقیقت و نگه دارنده‌ی نفس ناطقه و مانعیت از قبایح را نیز دارد (کرجی، ۱۳۷۵ ش، ص ۱۷۱) این واژه در اصطلاح نیز معانی متعددی دارد ولی در فلسفه بیشتر به دو معنا به کار می‌رود: ۱- به معنای جوهری که ذاتاً و فعلاً از ماده مجرد است. ۲- به معنای نیروی ادراک کلیات. (شیروانی، ۱۳۷۷ ش، ص ۹۷ و ۹۸) بعضی از فلاسفه معتقدند که عقل و نفس و ذهن یکی است جز آنکه عقل را به سبب مدرک بودنش نفس گفته‌اند و ذهن را به جهت استعداد ادراکش ذهن خوانده‌اند (جرجانی، ۱۴۱۸ ق، ص ۱۹۷) و منظور از عقل انسانی قوه‌ای است از قوای نفسانی انسان که فعلش تفکر، تدبیر، نطق، تمیز و ایجاد صنایع و جزء آن است (دهخدا، ۱۳۷۷ ش، ج ۱۰، ص ۱۶۰۰۲).

حاصل اینکه واژه‌ی عقل به معنی حبس و منع وضع شده و حتی با تغییر و تحول در قرون متمادی هم‌چنان ارتباط با معنی اصلی خود را حفظ کرده است.

### ۴. مفهوم واژه‌ی عقل در آیات قرآن و حوزه‌های دعوت عقلانی

پس از بررسی معنی لغوی و اصطلاحی عقل، توجه به این نکته حائز اهمیت است که در قرآن چهل و نه آیه وجود دارد که انسان‌ها را به تعقل دعوت می‌کند

و با توجه به موضوعات هر آیه حوزه‌های عقلانی را می‌توان به نه محور اصلی تقسیم بندی نمود.

#### ۱.۴. استدلال قرآن در مقابل یهود:

در این آیات عقل به معنی فهم، اندیشیدن، تذکر و پند است و حوزه‌های عقلانی آن به شرح ذیل است:

**الف) تحریف ادیان آسمانی:** که علما و دانشمندان یهود تورات به میل و مذاق خود تفسیر و تأویل می‌کردند (طبرسی، ۱۳۷۹ ق، ج ۱، ص ۱۴۲) مانند آیه‌ی ۷۵ سوره‌ی بقره ﴿أَفْتَطْمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَهُمْ يَعْلَمُونَ﴾ یعنی: آیا طمع دارید که [اینان] به شما ایمان بیاورند؟ با آنکه گروهی از آنان سخنان خدا را می‌شنیدند، سپس آن را بعد از فهمیدنش تحریف می‌کردند، و خودشان هم می‌دانستند.

#### ب) دشمن شناسی و شناخت جریان‌های مخالف

﴿وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَا بِعَضِبُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ قَالُوا أَتُحَدِّثُونَهُمْ بِمَا فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ لِيُحَاجُّوكُمْ بِهِ عِنْدَ رَبِّكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾ (البقره، ۷۶) یعنی: و [همین یهودیان] چون با کسانی که ایمان آورده‌اند برخورد کنند، می‌گویند: «ما ایمان آورده‌ایم» و وقتی با همدیگر خلوت می‌کنند، می‌گویند: «چرا از آنچه خداوند بر شما گشوده است، برای آنان حکایت می‌کنید تا آنان به [استناد] آن، پیش پروردگارتان بر ضد شما استدلال کنند؟ آیا فکر نمی‌کنید؟

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بِطَانَتَهُ مِنْ دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُؤًا مَا عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمْ الْآيَاتِ إِنِ

كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ﴾ (آل عمران، ۱۱۸) یعنی: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از غیر خودتان، [دوست و] همراز مگیرید. [آنان] از هیچ نابکاری در حق شما کوتاهی نمی‌ورزند. آرزو دارند که در رنج بیفتید. دشمنی از لحن و سخنشان آشکار است؛ و آنچه سینه‌هایشان نهان می‌دارد، بزرگ‌تر است. در حقیقت، ما نشانه‌ها [ای دشمنی آنان] را برای شما بیان کردیم، اگر تعقل کنید.

﴿وَإِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوهَا هُزُؤًا وَلَعِبًا ذَلِكِ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ﴾ (المائدة، ۵۸) یعنی: و هنگامی که [به وسیله‌ی اذان، مردم را] به نماز می‌خوانید، آن را به مسخره و بازی می‌گیرند، زیرا آنان مردمی‌اند که نمی‌اندیشند.

﴿فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ وَرِثُوا الْكِتَابَ يَأْخُذُونَ عَرَضَ هَذَا الْأَدْنَىٰ وَيَقُولُونَ سَيُعَذِّبُنَا وَإِن يَأْتِهِمْ عَرَضٌ مِثْلَهُ يَأْخُذُوهُ أَلَمْ يُؤْخَذْ عَلَيْهِمْ مِيثَاقُ الْكِتَابِ أَن لَا يَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ وَدَرَسُوا مَا فِيهِ وَالِدَارُ الْأُخْرَىٰ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يُتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾ (الأعراف، ۱۶۹). یعنی: آن‌گاه بعد از آنان، جانشینانی وارث کتاب [آسمانی] شدند که متاع این دنیای پست را می‌گیرند و می‌گویند: «بخشیده خواهیم شد» و اگر متاعی مانند آن به ایشان برسد [باز] آن را می‌ستانند. آیا از آنان پیمان کتاب [آسمانی] گرفته نشده که جز به حق نسبت به خدا سخن نگویند، با اینکه آنچه را که در آن [کتاب] است آموخته‌اند؟ و سرای آخرت برای کسانی که پروا پیشه می‌کنند بهتر است. آیا باز تعقل نمی‌کنید؟

ج) پی بردن به مسائل تاریخی و رسوم اجتماعی و تعظیم خداوند از خردمندان و اندیشمندان

﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أُولَٰئِكَ كَانَ

آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقُلُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ﴾ (البقره، ۱۷۰) یعنی: و چون به آنان گفته شود: «از آنچه خدا نازل کرده است پیروی کنید»؛ می‌گویند: «نه، بلکه از چیزی که پدران خود را بر آن یافته‌ایم، پیروی می‌کنیم.» آیا هر چند پدرانشان چیزی را درک نمی‌کرده و به راه صواب نمی‌رفته‌اند [باز هم در خور پیروی هستند]؟

#### د) توجه نقلیات علم تاریخ

﴿يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تُحَاجُّونَ فِي إِبْرَاهِيمَ وَمَا أُنزِلَتِ التَّوْرَةُ وَالْإِنْجِيلُ إِلَّا مِنْ بَعْدِهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾ (آل عمران، ۶۵) یعنی: ای اهل کتاب، چرا در باره ابراهیم محاجه می‌کنید با آنکه تورات و انجیل بعد از او نازل شده است؟ آیا تعقل نمی‌کنید؟

#### ه) اوصاف قوم یهود

﴿لَا يُقَاتِلُونَكُمْ جَمِيعًا إِلَّا فِي قُرَىٰ مُحَصَّنَاتٍ أَوْ مِنْ وَرَاءِ جُدُرٍ بَأْسُهُمْ بَيْنَهُمْ شَدِيدٌ تَحْسَبُهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ شَتَّىٰ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ﴾ (الحشر، ۱۴) یعنی: [آنان، به صورت] دسته‌جمعی، جز در قریه‌هایی که دارای استحکامات‌اند، یا از پشت دیوارها، با شما نخواهند جنگید. جنگشان میان خودشان سخت است. آنان را متحد می‌پنداری و [لی] دل‌هایشان پراکنده است، زیرا آنان مردمانی‌اند که نمی‌اندیشند.

#### ۲.۴. مقابله با کافران

در این آیات عقل به معنی به کارگرفتن قوه عاقله است و حوزه‌های عقلی آن عبارتند از:



الف) شناسایی و درک صحیح حقایق: ﴿قُلْ لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا تَلَوْتُمْ عَلَيَّكُمْ وَلَا أَدْرَاكُمْ بِهِ فَقَدْ لَبِثْتُ فِيكُمْ عُمُرًا مِنْ قَبْلِهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾ (یونس ۱۶) یعنی: بگو: «اگر خدا می خواست آن را بر شما نمی خواندم، و [خدا] شما را بدان آگاه نمی گردانید. قطعاً پیش از [آوردن] آن، روزگاری در میان شما به سر برده‌ام. آیا فکر نمی کنید؟»

﴿وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تُؤْمِنَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَيَجْعَلُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ﴾ (یونس ۱۰۰) یعنی: و هیچ کس را نرسد که جز به اذن خدا ایمان بیاورد، و [خدا] بر کسانی که نمی اندیشند، پلیدی را قرار می دهد.

#### ب) مخاطب شناسی

﴿وَمِنْهُمْ مَنْ يَسْتَمِعُونَ إِلَيْكَ أَفَأَنْتَ تُسْمِعُ الصُّمَّ وَلَوْ كَانُوا لَا يَعْقِلُونَ﴾ (یونس، ۴۲) یعنی: و برخی از آنان کسانی اند که به تو گوش فرامی دهند. آیا تو کران را - هر چند در نیابند - شنوا خواهی کرد؟

#### ج) اوصاف بتان و تأکید در بکارگیری عقل

﴿أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ شُفَعَاءَ قُلْ أَوْلُو كَانُوا لَا يَمْلِكُونَ شَيْئًا وَلَا يَعْقِلُونَ﴾ (زمر، ۴۳) یعنی: آیا غیر از خدا شفاعتگرانی برای خود گرفته اند؟ بگو: «آیا هر چند اختیار چیزی را نداشته باشند و نیندیشند؟»

### ۳.۴. تأکید بر اعتقادات

در این آیات تعقل به معنی فکر کردن و اندیشیدن و عاقبت اندیشی می باشد که منجر به اطاعت خدا و شناخت اوامر و نواهی است و حوزه های تعقلی آن

عبارتند از:

الف) اثبات توحید: یعنی امکان ندارد که خدا شریک داشته و یا تشبیه و تمثیلی برای او تصور کرد.

﴿وَلَيْنَ سَأَلْتَهُمْ مَنْ نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِ مَوْتِهَا لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ﴾ (العنكبوت، ۶۳) یعنی: و اگر از آنان بپرسی: «چه کسی از آسمان، آبی فرو فرستاده و زمین را پس از مرگش به وسیله‌ی آن زنده گردانیده است؟» حتماً خواهند گفت: «الله». بگو: «ستایش از آن خدا است با این همه، بیشترشان نمی‌اندیشند.

﴿صَرَبَ لَكُمْ مَثَلًا مِنْ أَنْفُسِكُمْ هَلْ لَكُمْ مِنْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِنْ شُرَكَاءَ فِي مَا رَزَقْنَاكُمْ فَأَنْتُمْ فِيهِ سَوَاءٌ تَخَافُونَهُمْ كَخِيفَتِكُمْ أَنْفُسَكُمْ كَذَلِكَ نَفِصِلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾ (الروم، ۲۸) یعنی: - خداوند- برای شما از خودتان مثلی زده است: آیا در آنچه به شما روزی داده‌ایم شریکانی از بردگانتان دارید که در آن [مال با هم] مساوی باشید و همان طور که شما از یکدیگر بیم دارید از آنها بیم داشته باشید؟ این‌گونه، آیات خود را برای مردمی که می‌اندیشند، به تفصیل بیان می‌کنیم.

﴿قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَلِكُمْ وَصَاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾ (الأنعام، ۱۵۱) یعنی: بگو: «بیایید تا آنچه را پروردگارتان بر شما حرام کرده برای شما بخوانم: چیزی را با او شریک قرار مدهید؛ و به پدر و مادر احسان کنید؛ و فرزندان خود را از بیم تنگدستی مکشید؛ ما شما و آنان را روزی می‌رسانیم؛ و

به کارهای زشت، چه علنی آن و چه پوشیده [اش]، نزدیک مشوید؛ و نفسی را که خدا حرام گردانیده، جز بحق مکشید. اینها است که [خدا] شما را به [انجام دادن] آن سفارش کرده است، باشد که ببندیشد.

ب) شکر و سپاسگزاری از رزق و روزی که خدا به بنده عطا فرموده که بازتاب و نتیجه تفکر بیداری و هوشیاری در انسان است.

﴿وَمِنْ ثَمَرَاتِ النَّخِيلِ وَالْأَعْنَابِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَرِزْقًا حَسَنًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾ (النحل، ۶۷) یعنی: و از میوه درختان خرما و انگور، باده مستی بخش و خوراکی نیکو برای خود می‌گیرید. قطعاً در این [ها] برای مردمی که تعقل می‌کنند نشانه‌ای است.

ج) اثبات معاد و مسائل مربوط به آن هم چون رفع استبعاد و احیای تمام موجودات پس از مرگ

﴿فَقُلْنَا اضْرِبُوهُ بِبَعْضِهَا كَذَلِكَ يُحْيِي اللَّهُ الْمَوْتَى وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾ (البقره، ۷۳) یعنی: پس فرمودیم: «پاره‌ای از آن [گاو سر بریده را] به آن [مقتول] بزنید» [تا زنده شود]. این‌گونه خدا مردگان را زنده می‌کند، و آیات خود را به شما می‌نماید، باشد که ببندیشید.

﴿وَهُوَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ وَلَهُ اخْتِلَافُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾ (المؤمنون، ۸۰) یعنی: و او است آن کس که زنده می‌کند و می‌میراند، و اختلاف شب و روز از او است. مگر نمی‌اندیشید؟

﴿اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾ (الحديد، ۱۷) یعنی: بدانید که خدا زمین را پس از مرگش زنده می‌گرداند. به

راستی آیات [خود] را برای شما روشن گردانیده‌ایم، باشد که بیندیشید.

﴿وَمَنْ نُعَمِّرْهُ نُنَكِّسْهُ فِي الْخَلْقِ أَفَلَا يَعْلَمُونَ﴾ (یس، ۶۸) یعنی: و هر که را عمر

دراز دهیم، او را [از نظر] خلقت فروکاسته [و شکسته] گردانیم، آیا نمی‌اندیشند؟

#### د) اوصاف و حال جهنمیان

﴿وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ﴾ (الملك، ۱۰) یعنی:

و گویند: «اگر شنیده [و پذیرفته] بودیم یا تعقل کرده بودیم در [میان] دوزخیان

نبودیم».

#### ۴.۴. آموزش مسائل و پدیده‌های طبیعی (طبیعت‌شناسی)

در این آیات نیز تعقل به معنی تفکر و اندیشیدن است که منجر به دانستن

علوم طبیعی و انسانی است و حوزه‌های عقلانی آن عبارتند از:

الف) خداباوری با تکیه بر کیهان‌شناسی، زمین‌شناسی، دریانوردی، جانور

شناسی و هواشناسی

﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي

الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا

وَبَتْ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ

لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ﴾ (البقره، ۱۶۴) یعنی: راستی که در آفرینش آسمان‌ها و زمین،

و در پی یکدیگر آمدن شب و روز، و کشتی‌هایی که در دریا روانند با آنچه به مردم

سود می‌رساند، و [هم‌چنین] آبی که خدا از آسمان فرو فرستاده، و با آن، زمین را

پس از مردنش زنده گردانیده، و در آن هر گونه جنبنده‌ای پراکنده کرده، و [نیز

در گردانیدن بادها، و ابری که میان آسمان و زمین آرمیده است، برای گروهی که می‌اندیشند، واقعاً نشانه‌هایی [گویا] وجود دارد.

### ب) سیر گردش مادی، علمی، طبیعی و معنوی

﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رَجَالًا نُوحِي إِلَيْهِمْ مِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ أَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾ (یوسف، ۱۰۹) یعنی: و پیش از تو [نیز] جز مردانی از اهل شهرها را - که به آنان وحی می‌کردیم - نفرستادیم. آیا در زمین نگردیده‌اند تا فرجام کسانی را که پیش از آنان بوده‌اند بنگرند؟ و قطعاً سرای آخرت برای کسانی که پرهیزگاری کرده‌اند بهتر است. آیا نمی‌اندیشید؟

﴿وَاخْتَلَفَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ رِزْقٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ آيَاتٌ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾ (الجناب، ۵) یعنی: و [نیز در] پیایی آمدن شب و روز، و آنچه خدا از روزی از آسمان فرود آورده و به [وسیله‌ی] آن، زمین را پس از مرگش زنده گردانیده است؛ و [هم‌چنین در] گردش بادها [به هر سو]، برای مردمی که می‌اندیشند نشانه‌هایی است.

### ج) بهره‌برداری از علوم کشاورزی و گیاه‌شناسی در زندگی انسان

﴿وَفِي الْأَرْضِ قِطْعٌ مُتَجَاوِرَاتٌ وَجَنَّاتٌ مِنْ أَعْنَابٍ وَزُرْعٌ وَنَخِيلٌ صُنُوفٌ وَغَيْرُ صُنُوفٍ يُسْقَىٰ بِمَاءٍ وَاحِدٍ وَنُفِصِلُ بَعْضَهَا عَلَىٰ بَعْضٍ فِي الْأُكُلِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾ (الرعد، ۴) یعنی: و در زمین قطعاتی است کنار هم، و باغ‌هایی از انگور و کشتزارها و درختان خرما، چه از یک ریشه و چه از غیر یک ریشه، که با یک آب سیراب می‌گردند، و [با این همه] برخی از آنها را در میوه [از حیث مزه

و نوع و کیفیت [بر برخی دیگر برتری می‌دهیم. بی‌گمان در این [امر نیز] برای مردمی که تعقل می‌کنند دلایل [روشنی] است.

#### د) بهره‌برداری از مسائل و مباحث علم نجوم

﴿وَسَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾ (النحل، ۱۲) یعنی: و شب و روز و خورشید و ماه را برای شما رام گردانید، و ستارگان به فرمان او مسخر شده‌اند. مسلماً در این [امور] برای مردمی که تعقل می‌کنند نشانه‌ه است.

﴿قَالَ رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِنَّ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ﴾ (الشعراء، ۲۸) یعنی: [موسی] گفت: «پروردگار خاور و باختر و آنچه میان آن دو است- اگر تعقل کنید».

﴿وَبِاللَّيْلِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾ (صافات، ۱۳۸) یعنی: و شامگاهان می‌گذرید! آیا به فکر فرو نمی‌روید؟!

#### ه) زبان‌شناسی و شناخت این پدیده

﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾ (یوسف، ۲) یعنی: ما آن را قرآنی عربی نازل کردیم، باشد که بیندیشید.

﴿إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾ (الزخرف، ۳) یعنی: ما آن را قرآنی عربی قرار دادیم، باشد که بیندیشید.

#### و) توجه به علم تاریخ و مطالعه زندگانی پیامبران الهی

﴿يَا قَوْمِ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى الَّذِي فَطَرَنِي أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾ (هود، ۵۱) یعنی: ای قوم من، برای این [رسالت] پاداشی از شما در خواست نمی‌کنم.

پاداش من جز بر عهده کسی که مرا آفریده است، نیست. پس آیا نمی‌اندیشید؟

(ز) تعقل در امور دنیوی و برتریت توجه به آخرت

﴿وَمَا أُوتِيتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَزِينَتُهَا وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾ (القصص، ۶۰) یعنی: و هر آنچه به شما داده شده است، کالای زندگی دنیا و زیور آن است، و [لی] آنچه پیش خداست بهتر و پایدارتر است؛ مگر نمی‌اندیشید؟

(ح) توجه به علم باستان‌شناسی و تحقیق و تفحص

﴿وَلَقَدْ تَرَكْنَا مِنْهَا آيَةً بَيِّنَةً لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾ (العنكبوت، ۳۵) یعنی: و از آن [شهر سوخته] برای مردمی که می‌اندیشند نشانه‌ای روشن باقی گذاشتیم.

(ط) شناخت پدیده‌های جوی و سود و زیان‌های احتمالی

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ يُرِيكُمُ الْبَرْقَ خَوْفًا وَطَمَعًا وَيُنزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَيُخْرِجُ بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾ (الروم، ۲۴) یعنی: و از نشانه‌های او [اینکه] برق را برای شما بیم‌آور و امیدبخش می‌نماید، و از آسمان به تدریج آبی فرو می‌فرستد، که به وسیله‌ی آن، زمین را پس از مرگش زنده می‌گرداند. در این [امر هم] برای مردمی که تعقل می‌کنند، قطعاً نشانه‌هایی است.

(ی) آفرینش انسان و مراحل تشکیل و تکوین آدمی از مرحله‌ی انعقاد نطفه

تا هنگام پیری و مرگ و مطالعه در خلقت

﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ ثُمَّ لِتَكُونُوا شُيُوخًا وَمِنْكُمْ مَنْ يُتَوَفَّى مِنْ قَبْلٍ وَلِتَبْلُغُوا أَجَلًا مُّسَمًّى

وَلَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾ (الغافر، ۶۷) یعنی: او همان کسی است که شما را از خاکی آفرید، سپس از نطفه‌ای، آن‌گاه از علقه‌ای، و بعد شما را [به صورت] کودکی برمی‌آورد، تا به کمال قوّت خود برسید و تا سالمند شوید، و از میان شما کسی است که مرگ پیش‌رس می‌یابد، و تا [بالاخره] به مدتی که مقرر است برسید، و امید که در اندیشه فرو روید.

#### ک) رعایت حریم اجتماعی و احترام به قوانین اجتماعی

﴿إِنَّ الَّذِينَ يُنَادُونَكَ مِنَ الْحُجْرَاتِ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ﴾ (الحجرات، ۴) یعنی: کسانی که تو را از پشت اتاق‌ها [ی مسکونی تو] به فریاد می‌خوانند، بیشترشان نمی‌فهمند.

#### ل) هدایت به راه حق و تبلیغات و ارشاد مردم

﴿وَمَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمَثَلِ الَّذِي يَنْعِقُ بِمَا لَا يَسْمَعُ إِلَّا دُعَاءً وَنِدَاءً صُمُّ بُكْمٌ عُمْيٌ فَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ﴾ (البقره، ۱۷۱) یعنی: و مثل [دعوت‌کننده] کافران چون مثل کسی است که حیوانی را که جز صدا و ندایی [مبهم، چیز] نمی‌شنود بانگ می‌زند. [آری،] کردند، لالند، کورند. [و] در نمی‌یابند.

#### ۵.۴. مسائل اخلاقی

در این حوزه عقل به معنی اندیشه‌ورزی و دریافت است و نشانه تکامل عقل را مسائل اخلاقی مثل نیکی به پدر و مادر، حفظ فرزندان، مرتکب قتل نشدن و دوری از کارهای زشت و عمل قبیح می‌داند

﴿أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَثْلَوْنَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾



(البقره، ۴۴) یعنی: آیا مردم را به نیکی فرمان می‌دهید و خود را فراموش می‌کنید، با اینکه شما کتاب [خدا] را می‌خوانید؟ آیا [هیچ] نمی‌اندیشید؟

﴿كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾ (البقره، ۲۴۲) یعنی: بدین گونه، خداوند آیات خود را برای شما بیان می‌کند، باشد که بیندیشید.

﴿قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبِّيَ عَلَيَّكُمْ إِلَّا تَشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ وَلَا تَفْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾ (الأنعام، ۱۵۱) یعنی: بگو: «بیایید تا آنچه را پروردگارتان بر شما حرام کرده برای شما بخوانم: چیزی را با او شریک قرار مدهید؛ و به پدر و مادر احسان کنید؛ و فرزندان خود را از بیم تنگدستی مکشید؛ ما شما و آنان را روزی می‌رسانیم؛ و به کارهای زشت، چه علنی آن و چه پوشیده [اش]، نزدیک مشوید؛ و نفسی را که خدا حرام گردانیده، جز بحق مکشید. اینها است که [خدا] شما را به [انجام دادن] آن سفارش کرده است، باشد که بیندیشد.

#### ۶.۴. تذکره احکام الهی و مسئله حقوقی و فقهی

عقل در این حوزه به معنی شنیدن و دریافتن است و محورهای تعقل آن عبارتند از:

##### الف) احکام الهی و مسائل فقهی

﴿كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾ (البقره، ۲۴۲) یعنی: بدین گونه، خداوند آیات خود را برای شما بیان می‌کند، باشد که بیندیشید.

﴿قُلْ تَعَالَوْا أَنُلِ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَنْزِفُكُمْ وَإِيَّاهُمْ وَلَا تَقْرُبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ وَلَا تَفْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَلِكُمْ وَصَاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾ (الأنعام، ۱۵۱) یعنی: بگو: «بیایید تا آنچه را پروردگارتان بر شما حرام کرده برای شما بخوانم: چیزی را با او شریک قرار مدهید؛ و به پدر و مادر احسان کنید؛ و فرزندان خود را از بیم تنگدستی مکشید؛ ما شما و آنان را روزی می‌رسانیم؛ و به کارهای زشت، چه علنی آن و چه پوشیده [اش]، نزدیک مشوید؛ و نفسی را که خدا حرام گردانیده، جز بحق مکشید. اینها است که [خدا] شما را به [انجام دادن] آن سفارش کرده است، باشد که بیندیشد.

ب) توجه به امر عبادی که این امور باید همراه با تعقل باشد.

﴿أَفْ لَكُمْ وَلِمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾ (الأنبياء، ۶۷) یعنی: اف بر

شما و بر آنچه غیر از خدا می‌پرستید. مگر نمی‌اندیشید؟

ج) فروع احکام و رعایت حال افراد بیمار و معلول

﴿لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَى حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرْجٌ وَلَا عَلَى أَنْفُسِكُمْ أَنْ تَأْكُلُوا مِنْ بُيُوتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ آبَائِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أُمَّهَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ إِخْوَانِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخَوَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَعْمَامِكُمْ أَوْ بُيُوتِ عَمَّاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخْوَالِكُمْ أَوْ بُيُوتِ خَالَاتِكُمْ أَوْ مَا مَلَكَتُمْ مَفَاتِحَهُ أَوْ صَدِيقِكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَأْكُلُوا جَمِيعًا أَوْ أَشْتَاتًا فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَى أَنْفُسِكُمْ تَحِيَّةً مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبَارَكَةٌ طَيِّبَةٌ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾ (نور، ۶۱) یعنی: بر نابینا و لنگ و بیمار و بر شما ایرادی نیست که از خانه‌های خودتان بخورید، یا از خانه‌های

پدرانتان یا خانه‌های ما درانتان یا خانه‌های برادرانتان یا خانه‌های خواهرانتان یا خانه‌های عموهایتان یا خانه‌های عمه‌هایتان یا خانه‌های دایی‌هایتان یا خانه‌های خاله‌هایتان یا آن [خانه‌هایی] که کلیدهایش را در اختیار دارید یا [خانه] دوستتان. [هم‌چنین] بر شما باکی نیست که با هم بخورید یا پراکنده. پس چون به خانه‌هایی [که گفته شد] درآمدید، به یکدیگر سلام کنید؛ درودی که نزد خدا مبارک و خوش است. خداوند آیات [خود] را این‌گونه برای شما بیان می‌کند، امید که بیندیشید.

#### ۷.۴. عبرت پذیری

در این حوزه، عقل به معنی پندگیری و تذکر است و اینکه علم و عقل باید با هم توأم باشد نه اینکه موجب رشد انسان نشود و یا علم حجاب عقل شود. ﴿وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَلَلدَّارُ الْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾ (الأنعام، ۳۲) یعنی: و زندگی دنیا جز بازی و سرگرمی نیست، و قطعاً سرای با زپسین برای کسانی که پرهیزگاری می‌کنند بهتر است. آیا نمی‌اندیشید؟

﴿أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونَ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ﴾ (الحج، ۴۶) یعنی: آیا در زمین گردش نکرده‌اند، تا دل‌هایی داشته باشند که با آن بیندیشند یا گوش‌هایی که با آن بشنوند؟ در حقیقت، چشم‌ها کور نیست لیکن دل‌هایی که در سینه است کور است.

﴿وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ لَضَرِبُهَا لِلنَّاسِ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ﴾ (العنکبوت، ۴۳) یعنی: و این مثل‌ها را برای مردم می‌زنیم و [لی] جز دانشوران آنها را در نیابند.

## ۸.۴. خرافه‌شناسی

در این حوزه، عقل به معنی فهم است و توصیف کسانی است که پیروی سنت گذشتگان هستند و مقوله‌ای که در اختیار حوزه‌ی عقلانیت قرار گرفته خرافه‌شناسی است یعنی می‌توان بسیاری پیرایه‌هایی را که به سنت و دین نسبت می‌دهند شناسایی کرد و بعد از اطمینان به صحت خرافه بودن آن با این مقوله‌ها مبارزه‌ی منطقی کرد.

﴿وَلَكِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَأَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ﴾ (المائده، ۱۰۳) یعنی: خدا [چیزهای ممنوعی از قبیل: بحیره و سائبه و و صیله و حام قرار نداده است. ولی کسانی که کفر ورزیدند، بر خدا دروغ می‌بندند و بیشترشان تعقل نمی‌کنند.

## ۹.۴. کمک عقل در هدایت انسان و پرهیز از ضلالت او

عقل در این حوزه به معنی فهمیدن و درک است و به یکی از موضوعات مورد مذاقه آدمی یعنی هدایت و ضلالت می‌پردازد و در این باره می‌توان گفت تمام موضوعات علم کلام در حوزه‌ی مباحث عقلانی قرار می‌گیرد و اگر انسان از عقل و خرد خویش که بخشش بزرگی از جانب خداوند است استفاده کند و جلوی اغوای شیطان را بگیرد از راه هدایت گمراه نخواهد شد.

﴿وَلَقَدْ أَضَلَّ مِنْكُمْ جِبِلًّا كَثِيرًا أَفَلَمْ تَكُونُوا تَعْقِلُونَ﴾ (یس، ۶۲) یعنی: و [او]

گروهی انبوه از میان شما را سخت گمراه کرد؛ آیا تعقل نمی‌کردید؟

﴿إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ﴾ (الأنفال، ۲۲) یعنی:

قطعاً بدترین جنبندها نزد خدا کران و لالانی اند که نمی‌اندیشند.

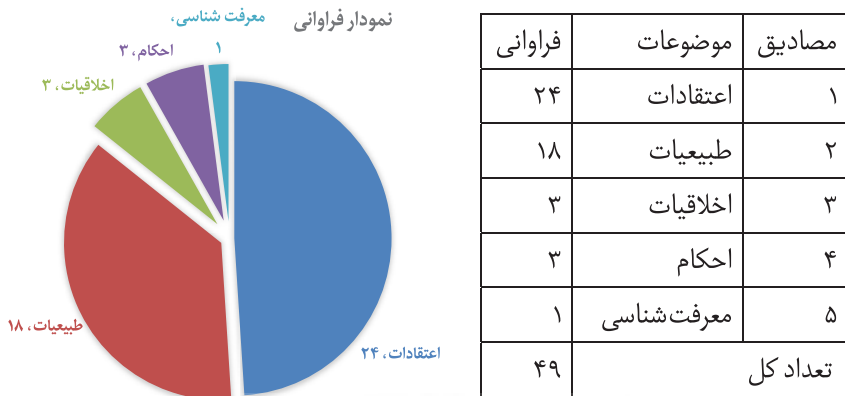
﴿أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا﴾ (الفرقان، ۴۴) یعنی: یا گمان داری که بیشترشان می‌شنوند یا می‌اندیشند؟ آنان جز مانند ستوران نیستند، بلکه گمراه‌ترند.

با تطبیق این معانی با ظواهر آیاتی که واژه‌ی «عقل» در آنها به کار رفته خطوط اصلی عقاید، اخلاق و احکام دریافت می‌گردد. واژه‌ی «عقل» در ۴۹ آیه از آیات قرآن و به صورت فعلی (۱ مورد فعل ماضی و ۴۸ بار فعل مضارع) به کار رفته است و حوزه‌های عقلانی آن به شرح زیر است:

جدول ۱. استفاده از واژه‌ی عقل در حوزه‌های مختلف

معرفت شناسی	طبیعیات	احکام	اخلاقیات	اعتقادات
خرافه شناسی	آموزش مسائل و پدیده‌های طبیعی و اجتماعی	تذکر به احکام الهی و مسأله حقوقی	مسائل اخلاقی	هدایت و ضلالت انسان به واسطه عقل
۱	۱۵	۴	۴	۴
	دعوت به عبرت پذیری			تاکید بر اعتقادات
				مقابله با کافران
				استدلال در مقابل یهود
				۸

جدول ۲. نمودار فراوانی استفاده از واژه‌ی عقل در موضوعات مختلف



## ۵. نتیجه‌گیری

از دیدگاه قرآن دامنه‌ی مباحث عقلانی بسیار وسیع است و کم‌تر موردی است که عقل به آن راه نیافته باشد، در این پژوهش به حوزه‌های مادی، معنوی، فردی، اجتماعی، دنیوی و اخروی که قرآن به طور مستقیم به آنها پرداخته اشاره شده است و می‌توان چنین نتیجه گرفت که:

۱- سیر لغوی و اصطلاحی عقل نشان‌گر آن است که عقل به معنی «منع»، «علم»، «فهم» و «قدرت تشخیص» بوده و به عبارت دیگر ابزاری است که به واسطه‌ی آن انسان می‌تواند از حقائق اطراف دریافت صحیحی داشته باشد و در طول سال‌های متمادی ارتباط معنای اصلی و معنای گسترش یافته قرون بعدی حفظ شده است.

۲- با تطبیق این معانی با ظواهر آیه‌ای که واژه‌ی «عقل» در آنها به کار رفته اولاً خطوط اصلی عقاید، اخلاق و احکام و ثانیاً با دقت به کاربرد فعلی در ساختار

مضارع، پویایی و استمرار عقل‌گرایی از دیدگاه قرآن دریافت می‌گردد.

۳- حوزه‌های عقل‌گرایی با توجه فراوانی آن در آیات قرآن به ترتیب، پنج محور اعتقادات، طبیعیات، اخلاق، احکام و معرفت‌شناسی است از بررسی آیات قرآنی این‌گونه برمی‌آید که مصادیق اعتقادات و طبیعیات بیشترین موارد تأکیدات قرآنی است.

## منابع

۱. قرآن کریم با ترجمه محمد مهدی فولادوند.
۲. ابن منظور، جمال‌الدین، *لسان العرب*، دار إحياء التراث العربی، بیروت: ۱۴۰۸ ق.
۳. جرجانی، علی بن محمد، *التعريفات*، دارالکتاب العربی، بیروت: ۱۴۱۸ ق.
۴. جزایری، سید نعمت‌الله، *فروق اللغات*، شریعت، قم: ۱۳۹۱ ش.
۵. جوهری، اسماعیل، *تاج اللغة و الصحاح العربیة*، دار العلم للملایین، بیروت: ۱۴۰۷ ق.
۶. دهخدا، علی‌اکبر، *لغت‌نامه*، مؤسسه دهخدا و دانشگاه تهران، تهران: ۱۳۷۷ ش.
۷. راغب اصفهانی، *معجم مفردات الفاظ القرآن*، بی‌نا، بی‌جا، بی‌تا.
۸. زبیدی، محمد مرتضی، *تاج العروس من جواهر القاموس*، دار مکتبه الحیاء، بیروت: بی‌تا.
۹. شیروانی، علی، *شرح مصطلحات فلسفی بدایة الحکمة و نهاية الحکمة*، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه‌ی علمیه‌ی قم: ۱۳۷۷ ش.
۱۰. طبرسی، ابوعلی، *مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن*، احیاء التراث العربی،

بیروت: ۱۳۷۹ ق.

۱۱. عبدالباقی، محمد فؤاد، المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الکریم، اسماعیلیان، تهران: ۱۳۶۴ ش.

۱۲. فراهیدی، خلیل بن أحمد، العین، انتشارات أسوه، تهران: ۱۴۱۴ ق.

۱۳. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، القاموس المحیط، المؤسسة العربية للطباعة و النشر، بیروت: بی تا.

۱۴. فیومی مقری، احمد بن محمد بن علی، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، دارالهجرة، قم: ۱۴۰۵ ق.

۱۵. کرجی، علی، اصطلاحات فلسفی و تفاوت‌های آنها با یکدیگر، بی جا، ۱۳۷۵ ش.

۱۶. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت: ۱۴۰۳ ق.

۱۷. مصطفی ابراهیم و دیگران، المعجم الوسیط، المكتبة العلمية، تهران، بی تا.